

اشعار اخلاقی و حکمی شاهنامه فردوسی

یکی از مباحث و با مواردیکه شایان کمال اهمیت و قابل توجه کامل در شاهنامه بزرگ فردوسی است و تا کنون آنچنان که باید و شاید مورد نظر دانشمندان محترم و دوستان داران ذی قدر شاهنامه قرار نگرفته است موضوع اشعار حکمی و پندواندرز و نصایح و مساوِ عـظ مندرج در این کتاب بزرگ است که بتدریج و در ضمن داستانها و یا در طلیعه، پاره‌ئی از حکایات و یا در جلوس هر یک از پادشاهان که در حقیقت عنوان برنامه کار آنها را مینوانسته است داشته باشد بیان نموده و در واقع از تذکر هیچیک از مطالبی که در زندگی انسانی میتواند مورد احتیاج قرار گیرد خودداری نشده است. بنظر بنده اینکه تا حال این قسمت یا موضوع مفید در شاهنامه مورد توجه قرار نگرفته عظم مطالب حماسی و جنبه تاریخ باستانی و شیرینی داستانها و وضع عجیب میدان آرائی ها و امثال این مسائل بوده است که خوانندگان را از درک و برخورد بدیگر جنبه‌های این کتاب شگرف باز داشته است چون مسلم است کسیکه شاهنامه فردوسی را برای مطالعه باز نمیکند یا ملاحظه ابیات نصیحه و پندواندرز آن نیست تا اگر بآن نوع شعر برخورد مورد توجهش قرار گیرد او اشعار حماسی میخواهد داستان میطلبید - او چون میجوید - شعر بلند انتظار دارد :

بمالید چاچی کمانرا بدست	بچرم گوزن اندر آورد شست
ستون کرد چپ را و خم کرد راست	خروش زخم چرخ چاچی بخاست
چو سوارش آمد بپهنای گوش	ز چرم گوزنان برآمد خروش
چو بوسید پیکان سر انگشت او	گذر کرد از مهره پشت او
چو زد تیر بر سینه اشگیوس	سپهر آن زمان دست او داد بوس
قضا گفت گیرو قدر گفت ده	فلک گفت احسن ملک گفت ره
کشانی هم اندر زمان جان بداد	تو گفتی که او خود ز مادر نژاد

در این صورت اگر او در ضمن اشعار میخواند :

مدار خرد را برادر بود	خرد بر سر دانش افسر بود
بجای کسی گر تو نیکی کنی	مزن بر سرش تا دلش نشکنی
چو نیکی کنش باشی و برد بار	نباشی بچشم خردمند خوار

بزودی از آن در میگذرد تا درجای دیگر بخواند :

نهندد مرا دست چرخ بلند	که گوید برو دست رستم ببند
که هر اختری لشکری برکشد	اگر چرخ گردنده اختر کشد
پراکنده سازم بهر کشورش	بگزر گران بشکنم لشکرش

بنابراین اگر تا کنون کسی را هوای استخراج ابیات نصیحه و پندواندرزهای شاهنامه بسر نیفتاده از این رو بوده است . من بنده که از کودکی باشاهنامه و داستانهای آن خوگرفته بودم و خود نیز شاعر و شاعرزاده بودم هر وقت فراغتی دست میداد از مطالعه مکرر شاهنامه و استفاده از آن طبع بلند و اشعار شیوا غفلت نمی کردم ولی این مطالعه بیشتر جنبه تفأل داشت یعنی یکی از فصول شاهنامه را انتخاب و بمطالعه آن میپرداختم و چون گاهی در ضمن داستانها با اشعار حکمی و پندواندرزهای زیبا بر میخوردم آرزو می کردم که فراغتی یابم و این کتاب عظیم را از اول تا آخر مطالعه نموده آن نوع اشعار را که خود مینواند کتبی مستقل از آثار این اسناد بزرگ تشکیل دهد استخراج نمایم تا اینکه اخیراً " این آرزو بحمدالله جامه عمل پوشید و دو سال پیش شروع باین کار کردم ولی هرگز گمان نمی کردم که آن نوع اشعار باین مقدار که اینک معروض خواهم داشت برسد یعنی باین زیادی باشد .

آری دو سال وقت صرف این کار کردم و از این صرف وقت کاری که کرده ام بسیار مسرور و خوشحالم چه که دفتری از فصل منازی از شاهنامه فراهم آمده که میتواند مورد استفاده عموم قرار گیرد و بعقیده اسنادان فن قابل تدریس در مدارس است .

همانطور که فردوسی اسناد را در فن حماسه سرائی و وطن پرستی یگانه میدانیم و او را پاسدار و بنیان گذار مجدد زبان شیرین فارسی میشناسیم یعنی در عصریکه زبان و لغت عرب در سراسر کشور ریشه دوانیده بود و میخواست یکباره زبان فارسی را در خود مستهلک کند و نشانده بزرگ قومیت و ملیت ما را محو و نابود سازد و فردوسی با این شاهکار بزرگ خود مانع پیشرفت این روش خطرناک گردید و حقاً "عجم را بدین پارسی زنده کرد میتوان او را یگانه دوران و پدربزرگان فارسی شمرد ، در باب اشعار حکمی و نصایح کتابش نیز شایسته است او را یک معلم اخلاق ، یک مربی اجتماع و یا یک ادیب بمعنای اخص نامید .

همی نیکوئی ماند و مردمی	جوانمردی و خوبی و خرمی
جز اینت نبینم همی بهره ئی	اگر که پتری باشی از شهره ئی
اگر مانداید ز نو نام ز شست	نیایی عفی الله و خرم بهشت
چنین است رسم سرای کهن	سکندر شدو مانداید ر سخن

در این مسائل حکمی و اخلاقی هر چند فردوسی غالباً " از زبان پادشاهان و یا

قهرمانان داستان و غیره سخن میگوید ولی در حقیقت و میدانیم که آفرینندهٔ آنها خود اوست مثلاً " اردشیر بابکان مردمانرا گوید :

هر آنکس که داند که دادار هست	نباشد مگر پاک یزدان پرست
دگر آنکه دانش مگیرید خسوار	اگر زیر دستید اگر شهر یار
سه دیگر بدانی که هرگز سخن	نگردد بر مرد دانا کهن
چهارم چنان دان که بیم گناه	فزون باشد از دار و از بند و چاه
پنجم سخن مردم عیبجوی	نگیرد بنزد کسان آبسروی
بگویم یکی نازه اندرز نیسز	که آن بر تر از دیده و جان و چیز
خنک آنکه آباد دارد جهان	بود آشکارای او چون نهان
دگر آنکه دارد وی آواز نسرم	خردمندی و شرم و گفتار گرم

هزینه مکن سیمت از بهر لاف

به بیهوده مپراکن اندر گزاف

ولی این فردوسی است که اردشیری و مردمی در صحنه نمودار کرده و نصیحت‌های بلند از خود بیادگار میگذارد و همین گونه است در موارد شنی من از این قبیل اشعار از متن کتاب ۲۵۴۰ بیت و از هجوتامه ۱۹ بیت و از ملحقات ۳۹ بیت و بعضی ابیات متفرقه نیز که یادداشتش را از لحاظ ادبی و دستوری ضروری تشخیص دادم ۷۱ بیت جمعا " ۲۶۶۹ بیت استخراج و در دفتری فراهم آوردم که اینک آماده برای تکثیر و استفاده عموم است. سخن در باب این نایغهٔ ادب بسیار است و محاسن کار و گفتار او بی‌شمار و چون عادت بدراز گوئی ندارم بهمین مقدار در باره کار خویش اکتفا میکنم و خاتمت مقاله را بنمونه ای چند از ابیات نصیحهٔ اسناد مزین میدارم :

در نیایش خدایند

بر آن آفرین کافرین آفرید	مکان و زمان و زمین آفرید
هم آرام از ویست و هم کام از وی	هم انجام از او بیست و فرجام از وی
سپهر و زمین و زمان کرده است	کم و بیش گیتی بر آورده است
ز خاشاک تا چیز تا عرش، راست	سراسر بهستی یزدان گواست
جزا و را مخوان کردگار جهان	شناسندهٔ آشکار و نهان
وز بر روان محمد درود	بیارانش بر هر یکی بر فزود

همه پاک بودند و پرهیز کار

سخنهایشان برگذشت از شمار

از گفتار اورمزد شاپور

بود زندگانی و روزیش ننگ	دگر هر که دارد زهر کار ننگ
بر سفلگان نا توانی مگمرد	در آ باشد دل سفله مرد
مکن رهگذر نازیبی بر درش	هر آنکس که دانش نیایی برش
ببدن توانی بگیتی مگوش	دلت داد زنده بفرهنگ و هوش
بدان کاین جداوان جدا نیست زین	خرد هم چو آست و دانش زمین

.....

خرد یار باد آشکار و نهان	بخشود کی کردگار جهان
چو جانی سخن را انداز پادشا	خردمند با مردم پارسا
که گفتار نیکو نگردد کهنس	همه سخنه باید که راند سخن
و گر بد سراید کسی شنوی	نباید که گوئی بجز نیکوی

چه گفت آن سخنگوی پاسخ نبوش

که دیوار دارد بگفتار گوش

در آغاز داستان دوازده رخاست

بدونیک روزی سر آید همی	جهان چون بزاری بر آید همی
شود کار گینیت یکسر دراز	چو بستی کمر بر در راه آرز
اگر در میان دم از دهاست	بیکروی جستن بلندی سزاست
سرای سپنجی چه پهن و چه تنگ	و دیگر چو گینی ندارد درنگ
بگینی ز کس نشنود آفرین	پرستنده آرزو جویای کین
بروبر شود نیره روشن چراغ؟	چو سروسهی کج بگردد بباغ
سرش سوی پستی گراید نخست	شود برگ پژمرده و بیخ سست
همه جای نرساست و نیما رو پاک	بر آید ز خاک و شود باز خاک
بگینی بی آزاری اندر خورد	سرمایه مرد سنگ و خرد
ز رنج ن آید برفتن نیاز	اگر خود بمانی بگینی دراز
در گنج رازش ندارد کلید	یکی ژرف دریاست بن ناپدید
همان خورد بیکروز بگرایدت	اگر چند مانی فزون بایدت
وزونیز بر سرت بیغاره نیست	سه چیزت بیاید کز و چاره نیست
سزد گر بدیگر سخن ننگری	خوری یا بپوشی و یا گستری



بررسی طرح های بومی سنتی ساختمان های چوبی ایران

لزوم استفاده بیشتر از چوب یاخست محکم اقتصاد ایران

(اتوکاروان) بیابازار عرضه میگردد و از منابع طبیعی خویش در راه رفاه روستائیان استفاده مینمایند. از آنروز همان اوان برآن شدم که علاوه بر مطالعات دانشگاهی به گردآوری و ترجمه کتب این فن همت گمارم تا کتابی بوجود آید که با استفاده از آن بتوان میلیون ها خانه و ویلاهای چوبی رنگارنگ در همه این مرز و بوم بویژه در شمال ایران بوجود آید و طرح های بومی و سنتی ساختمان های چوبی ایران بررسی گردد. و برای نوسازی آنها اقدامات مجدانه ای مبذول گردد.

هدف این بررسی آنست که:

۱- ایجاد ساختمان های چوبی مسکونی و کلیه های چوبی جهت استفاده جنگلبانان در اعماق جنگلها امکان پذیر گردد.

۲- با استفاده از چوب کلیه نمای داخلی اطاقها و مبلمان و در و پنجره های کلیه ساختمان های ملی و دولتی ایران از چوب ساخته گردد.

۳- خانه های رنگارنگ چوبی

نگارنده شاید بیش از پانزده سال است که بیشتر جنگلهای زیبا و پرارزش ایران را در نور دیده واز دامنه های بلند و دره های پنجگانه البرز و کوهستانهای رفیع دماوند گذر کرده و هر بار از دیدن زیبایی های میهن عزیز خرسند تر گشته و بارها به آید جهان آفرین سپاس و آفرین فراوان کرده ام که ایران زمین بویژه شمال آن را چنین زیبا و سرسبز آفریده است. از طرف دیگر زمانی که به بازدید از کشورهای متحده آمریکا و اروپا بویژه آلمان اشتغال داشتیم (سال ۱۳۳۶) مشاهده نمودم که چگونه جنگلها یا ثروت ملی آن کشورها در راه رفاه مادی اهالی بکار گرفته میشود و چگونه سالیانه هزاران خانه های چوبی رنگارنگ و پیش ساخته و خانه های چوبی متحرک

ذوق ایرانی در آثار بابل - خرابه قصر هاترا (الحضر) در ساحل دجله - خرابه معبد کنگاور (معبد ناهید) قصر شیرین خسرو پرویز در شهر قصر شیرین - طاق بستان کرمانشاه - مقبره العجا بئو سلطان محمد خدا بنده مقبره بایزید بسطامی - کاخ شاهنشاهی چهل ستون و عالی قاپو و مساجد زیبا از قبیل مسجد جامع و شاه و شیخ لطف اله اصفهان و کم و بیش آثار معماری زنده و قاجار را نامبرد .

معماران و دانشمندان ایرانی سرآمد دانشمندان عصر خود بودند از آن جمله باید " سننا " برازه حکیم " شیخ بهائی " دیو حسن " و صدها معمار معروف و گمنام ایرانی را نامبرد که بسیاری از ابتکارات این هنرمندان ساخته و پرداخته فکر بر نبوغ آنها بوده است - بطور کلی ایران یکی از کانون های مهم دانش معماری بحساب می آید که ساکنان آن بر حسب هر منطقه بنائی درخور زندگی خود می ساختند .

کیسود معماری عدم توجه به سنن معماری ایران - لزوم ایجاد دوره ۴ ساله مهندسی ساختمان های چوبی در دانشگاه ها و ایجاد چندین انستیتو صنایع چوب .

تعداد معماران تحصیل کرده کشور به ۴۰۰ نفر تخمین زده میشود که معمولا از طبقه متعین و ثروتمند بوده و عموما در تهران بکارهای ساختمانی بزرگ اشتغال دارند و معماران فرنگ دیده ایران کمتر به معماری اصیل ایران و طرح های سنتی آن تکیه میکنند . و شاید این امر بعلت عدم آموزش درست تاریخ معماری ایران باشد .

کاخ های تخت جمشید شرح زیر بوده اند .
الف - کاخ های بارعام و امور اجتماعی
۱ - کاخ آپادانا (۳۶ ستون اصلی - ۲۴

در سواحل شمال ایران موجود آید و کارخانه های چوبی پیش ساخته در شمال ایجاد و کلیه خانه های بومی موجود در شمال ایران به خانه های مدرن چوبی تبدیل گردد .

ایران مهد دانش معماری - معماری

یاهنر ساختمان از قدیم الایام در مرز و بوم کهن ما با آثار جاویدانی همراه بوده است - و هم اکنون روستاهای ایران چون کتاب گسترده ای از تاریخ معماری ، گنجینه های جاوید معماری ما را در برگرفته اند - به طوریکه کمتر روستائی در ایران دیده میشود که در آن قلعه های دختر یا معابد گذشته ناهید یا قلعه گیری و قلعه سلسال (یا صلصال) باطاق های ضربی یا هلالی و امامزاده ها و غیره از روزگار باستان نباشد . از جمله فهرست وار میتوان قلعه مرو و قلعه اصفهان دوره طهمورث - کشتی سازی و یادگارهای جمشید - قصر کیاکسار پادشاه ماد و در همدان - کاخ بازارگاد کورش - تخت جمشید یا پارسه آتار شوش - ایوان مدائن باطاق کسری (تیسفون - در نزدیکی بغداد فعلی در محلی بنام سلمان پاک) آثار آتشکده های سیستان (از قبیل کرکوی) آثار طبقات و استعمال نخستین آجرها در تپه سیلک کاشان و آتشکده های آن - آثار تمدن باستانی (موهن جودارو) در بلوچستان و سند - آثار ساختمان و کشاورزی در مرو - نمونه های

است از چوب اطلاع کمی در دست است و بویژه از چگونگی تهیه ساختمانهای چوبی هیچ اطلاعی در دست نیست. با بهره‌برداری علمی (نه بنا بودی کشاندن) از جنگلهای شمال و تهیه طرح‌های جنگلداری از ۳ میلیون هکتار جنگلهای شمال ایران که اکنون از آنها سالیانه ۴۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ مترمکعب چوب بهره‌برداری میشود و تولید چوب آنها در حال حاضر ۵/۱۳ تا ۵/۱۷ مترمکعب در هکتار است. میتوان با رعایت اصول علمی چوب سایر کشورها از ۳ میلیون هکتار جنگلهای فوق سالیانه ۱۲ میلیون مترمکعب چوب یا ۳ متر مکعب در هر هکتار بهره‌برداری کرد. و بهره‌برداری را به ۲۴ تا ۳۰ برابر آنچه که امروز تولید میشود فزونی داد. و از ۶ تا ۷ میلیون مترمکعب چوب صنعتی آن در تهیه‌سه ساختمان‌های چوبی - قایق سازی - خانه‌های متحرک تهیه‌ها نگارها و غیره... استفاده نمود و از ۵ - ۶ میلیون مترمکعب چوب سوخت آن حواجی مردم را برآورد. بعلاوه با کشت درختان جنگلی در سواحل شمال از قبیل اکالیپتوس - صنوبر - اروپائی - آمریکائی - و کاجها میتوان از هر هکتار چنین جنگلهای مصنوعی تا ۱۲ مترمکعب چوب برداشت نمود.

ستون ایوان به بلندی ۲۰ متر
 ۲- کاخ صد ستون (دارای ۱۰۰ ستون سنگی به بلندی ۱۲ متر)
 ۳- کاخ مرکزی (کاخ سهدری - دارای دو ایوان ستون دار
 ب- کاخ‌های اختصاصی
 ۱- کاخ هدیش (کاخ خشیار شاه)
 دارای ۳۶ ستون و یک ایوان ۱۲ ستونی
 ۲- کاخ تاجر (کاخ داریوش) تالار آئینه دارای ۱۲ ستون سنگی با سقف و ایوان چوبی .
 ۳- کاخ شهبانو
 چخزانه داریوش (دارای دو تالار)
 ۱- یک تالار یک با ۱۰۰ ستون چوبی .
 ۲- تالار ۲ با ۱۶ ستون چوبی
 د - ساختمان‌های ویژه اسسور جنگلی و اداری .
 دبیرخانه و کتابخانه شاهی -
 ساختمان خشتی جایگاه پاسداران (محل گارد جاویدان)
 متاسفانه در میهن عزیز ما با سرمایه فراوانی که در جنگلهای شمال نهفته

بقیه از صفحه ۷۵۷

چه در آرزوی پیچی چه اندر نیاز
 چه رنجانی از آرز جان و روان

کزین سه گذشته همه رنج و آرز
 چه دانی که بر تو نماند جهان

بخور آنچه داری و بیشی مجوی
 که از آرز گاهد همی آبروی